

«انتخابات» و رئیس جمهور تازه در ایران!

متن ترجمه شده مصاحبه رزگار عمر از سایت "ده ننگه کان" با صلاح مازوجی

رزگار عمر: رفیق صلاح، چه ویژگی‌هایی انتخابات اخیر در ایران را از انتخابات در دوره‌های پیشین متمایز می‌کند؟ برای نمونه در انتخابات دوره خاتمی رفرم و سیاست گشایش سیاسی به محور تبلیغات برای کشاندن مردم به پای صندوق‌ها تبدیل شده بود، اما این بار پروسه انتخابات کسی را به حاکمیت رساند که هیچ رابطه‌ای با خاتمی ندارد، آیا این به معنای بازگشت خامنه‌ای نیست برای کنترل همه عرصه‌های قدرت در ایران؟ نظر شما در این باره چیست؟

صلاح مازوجی: همانطور که خودتان اشاره کردید خاتمی در هر دو دوره "انتخابات" ریاست جمهوری به منظور کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی، شعار رفرم و توسعه سیاسی و ایجاد جامعه مدنی را به محور تبلیغات خود تبدیل کرد.

در واقع خاتمی مانند بخشی از جنبش اصلاحات بورژوازی ایران از زاویه منافع طبقه سرمایه دار ایران برای سرعت بخشیدن به روند ادغام هر چه بیشتر اقتصاد ایران در بازار جهانی سرمایه و انطباق دادن آن با الگوی اقتصادی نئولیبرال که امروز در جهان رواج دارد تلاش کرد. خاتمی تلاش کرد تا روبنای اداری، حقوق قضائی و فرهنگی جامعه ایران را در جهت پاسخگویی به منافع استراتژیک سرمایه داری ایران تغییر دهد، و برابری حقوقی برای دستیابی به قدرت سیاسی و دولتی برای همه بخش‌های بورژوازی ایران را فراهم کند. شعار توسعه سیاسی و ایجاد جامعه مدنی و یا آنطور که خودتان اشاره کردید سیاست ایجاد گشایش سیاسی همه در جهت منافع استراتژیک طبقه سرمایه دار ایران بود و هیچ ربطی به دمکراتیزه کردن جامعه ایران و تأمین آزادی‌های سیاسی نداشت، اما خاتمی با این شعارها توانست طبقه متوسط جامعه را حول شعارهای خود گرد آورد.

در "انتخابات" اخیر ریاست جمهوری، احمدی نژاد و تیم تبلیغاتی اش با درک این واقعیت که در مقایسه با دوره ای که خاتمی برای نخستین بار رئیس جمهور شد، حدود ۱۷ میلیون جوان ایرانی که عمدتاً بیکارند و از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی بی بهره اند به صف واجدین شرایط رای دادن پیوستند و باز با مشاهده این واقعیت که بیش از ۵۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر بسر می‌برند و بیکاری، گرانی و فقدان امنیت اجتماعی مردم را تحت فشار قرار داده، بر آن شدند که وعده

رفرم اقتصادی و توجه به شرایط دشوار زندگی مردم فقیر و تهیدست را به محور تبلیغات خود تبدیل کنند.

هر چند وعده ارتقاء زندگی مردم تهیدست و مسئله مالیات ها یک عوامفریبی شناخته شده است که کاندیداهای پست ریاست جمهوری و یا نخست وزیری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز برای جمع کردن آرا در موقع انتخابات آن را بکار می بندند، اما دلیل اصلی سر در آوردن احمدی نژاد از صندوق های رای این نبود، بلکه در واقع یک شبهه کودتا بود که با رهبری خامنه ای فرمانده کل قوا، با سرپرستی پسرش و از طریق نیروهای بسیج و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در پروسه "انتخابات" علیه رفسنجانی سازمان داده شد.

رفسنجانی تنها کاندید پست ریاست جمهوری بود که اگر انتخاب می شد حلقه بگوش خامنه ای نمی شد و بیشتر برنامه ها و سیاست های استراتژیک جمهوری اسلامی را با نقشه و نگرش خود پیش می برد. خامنه ای از پشت به رفسنجانی خنجر زد، با شکست رفسنجانی، خامنه ای افسار پروژه اصلاحات و سیاست های اقتصادی استراتژیک جمهوری اسلامی را بدست می گیرد.

هر چند خامنه ای همواره یکی از مهره های کلیدی و مهم در تدوین سیاست های جمهوری اسلامی بوده، اما با شکست رفسنجانی جدال و کشمکش میان جناح اصلاح طلب، میانه رو و محافظه کار بر سر چگونگی و آهنگ پیشبرد پروژه اصلاحات، عادی کردن رابطه با آمریکا و خاتمه دادن به بحران دیپلماسی اتمی در این مقطع فعلا به نفع جناح محافظه کار و خامنه ای پایان یافته است.

یکی دیگر از ویژگی های این "انتخابات" ایجاد دو دستگی و یا چند دستگی در درون جناح های حاکم در جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی ایران بود، که این پدیده بدون شک بر جنبه های مختلف مبارزه طبقاتی در ایران تأثیر خواهد گذاشت، با این همه این انتخابات نمی تواند روندهای اصل در جامعه ایران را متحول کند.

رزگار عمر: اگر کسی از ویژگی ها و شخصیت های درون حاکمیت جمهوری اسلامی شناختی نداشته باشد، چگونه می توانیم هویت و نقش احمدی نژاد را برایش ترسیم کنیم؟ او نمایندگان کدام جناح و کدام منافع را می کند؟ از نظر شما دوره حاکمیت احمدی نژاد چه موانع و مشکلاتی برای حکومت و برای مردم در پیش خواهد داشت؟

صلاح مازوجی: محمود احمدی نژاد در دسته بندی های درون جناح محافظه کار همیشه در جبهه

اصول گرایان قرار داشته است. احمدی نژاد قبل از آنکه شهردار تهران بشود برای چندین سال در میان نیروهای سپاه پاسداران مانند یک پاسدار متعصب به اهداف جمهوری اسلامی خدمت کرده است، در دوره جنگ ایران و عراق به تیپ ویژه پاسداران پیوست و برای چندین سال مسئولیت ستاد جنگ در غرب ایران را بر عهده داشت.

احمدی نژاد مانند یک اصول گرای محافظه کار از زاویه ایدئولوژی و اعتقاداتش خواهان استقرار دولتی است که بر مبنای قوانین و شرع اسلامی جامعه را اداره کند، فرهنگ اسلامی را حراست نماید، سیاست های اقتصادی کشور را بر مبنای اصول اسلامی تدوین کند. اما اعتقادات و آرمان های احمدی نژاد با منافع بورژوازی ایران و واقعیت های کنونی جامعه ایران خوانایی ندارد. پایه های اقتصادی ایران بیش از ۱۵ سال است که بر اساس استراتژی اقتصادی نتولیبرالی که امروزه در جهان یک تاز است قرار گرفته است، سیاست گسترش خصوصی سازی، تعدیل نیروی کار و بیکاری سازی گسترده کارگران، تلاش برای جذب سرمایه های خارجی و کوشش های پی در پی برای عضویت در سازمان تجارت جهانی همه در راستای این استراتژی اقتصادی قرار داشته است، این استراتژی اقتصادی در روند پیشروی خود رهنمای سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه ایران را در راستای پاسخگویی به منافع سرمایه داری ایران با تغییر و تحول همراه می کند. از سوی دیگر مبارزات ترقی خواهانه و آزادیخواهانه مردم ایران در بیش از دو دهه گذشته عقب نشینی های زیادی را در زمینه اجرای قوانین ارتجاع اسلامی به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. به همین دلایل ساده است که احمدی نژاد نمی تواند جامعه ایران را به شرایط و اوضاع ۲۰ سال پیش برگرداند.

علیرغم اینها، مکانیسم سیاست گذاری، تدوین استراتژی و اتخاذ تصمیمات در نظام جمهوری اسلامی بسیار پیچیده تر از آنست که رئیس جمهور به تنهایی بتواند سیاست و استراتژی جمهوری اسلامی را با تغییر و تحول اساسی روبرو کند.

به همین خاطر بود که خاتمی در دوره ریاست جمهوری اش لوایح دو قلو را با هدف بالا بردن اختیارات رئیس جمهور به مجلس ششم ارائه داد که البته مورد تصویب قرار نگرفتند.

بنابراین احمدی نژاد باید افسارش را بدست ولی فقیه خامنه ای بدهد، سیاست گسترش خصوصی سازی را تداوم بخشد، برای حل بحران اتمی پروسه مذاکرات با سه دولت اروپایی را به انجام برساند، برای عادی کردن رابطه اش با آمریکا و عضویت در سازمان تجارت جهان گام بردارد و بدین شیوه ایدئولوژی و آرمان هایش را با نیازهای سرمایه داری ایران انطباق دهد.

رزگار عمر: آمریکا قبل از شروع انتخابات و چه بعد از انجام آن ناخرسندی و ضدیت خود را نسبت به این پروسه نشان داد. به نظر شما ضدیت آمریکا از کجا سرچشمه می‌گردد. انتخابات رئیس جمهور تازه چه تغییری در موقعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و کشمکش‌های سیاسی آن ایجاد می‌کند؟

صلاح مازوجی: این نوع ضدیت‌ها و ابراز نارضایتی آمریکا از پروسه انتخابات‌ها در ایران موضوع تازه‌ای نیست. در تاریخ ۲۵ سال گذشته آمریکا همواره تلاش کرده است تا از شعار رعایت حقوق بشر یا آن‌چیزی که خود دموکراسی نام نهاده است، مانند حربه و ابزاری برای فشار آوردن به رژیم جمهوری اسلامی استفاده کند، اما در واقع ضدیت و مخالفت‌های آمریکا با رژیم اسلامی ایران علل دیگری دارد.

سیاست‌گذاران کاخ سفید بر این باورند که پافشاری جمهوری اسلامی بر سر تداوم پروژه غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی به سلاح اتمی، توازن قوای استراتژیک خاورمیانه را بر هم می‌زند و این تحول نه تنها در تقابل با منافع استراتژیک آمریکا در منطقه قرار دارد بلکه با منافع کشورهای اروپایی هم خوانایی ندارد.

از طرف دیگر دخالت جمهوری اسلامی در مسائل و کشمکش‌های عراق با هدف دستیابی به امتیازات بیشتر برای جریان‌های شیعه وابسته بخود در شرایطی که آمریکا در تلاش است این نیروها را به سهم کمتری از قدرت سیاسی راضی کند عرصه دیگری از نزاع و کشمکش میان جمهوری اسلامی و آمریکا را داغ نگاه داشته است. این واقعیت هم از فرماندهان نیروهای آمریکایی در عراق پنهان نیست که گروه تروریستی انصارالاسلام از خاک ایران مانند پشت جبهه نیروهای خود استفاده می‌کند. همچنین سنگ اندازی‌های جمهوری اسلامی در آن روندی که پروسه صلح اعراب و اسرائیل نام گرفته در تقابل با سیاست و منافع آمریکا قرار دارد.

اما علیرغم همه این اختلافات و تضادهایی که بین آمریکا و جمهوری اسلامی وجود دارد آمریکا نه خیال لشکرکشی نظامی به ایران را در سر می‌پروراند و نه عزم سرنگونی جمهوری اسلامی را دارد، بلکه تلاش می‌کند از طریق فشار آوردن و گسترش جنگ روانی، تداوم سیاست محاصره اقتصادی تا مذاکرات پشت پرده و آشکار و دادن امتیازات اقتصادی از راه گشودن دروازه‌ی سازمان تجارت جهانی به روی رژیم اسلامی ایران، این رژیم را لیبرالیزه کند و به مرور عملکردهای آن را با منافع استراتژیک آمریکا در منطقه انطباق دهد.

سرمایه داری ایران نیز مطابق برنامه و استراتژی اقتصادی ای که دارد به سرمایه گذاری خارجی نیاز دارد و برای ادغام هرچه بیشتر در بازار سرمایه جهانی باید موانع و مشکلات سر راه ورود به سازمان تجارت جهانی را بر طرف کند. جمهوری اسلامی هیچ راهی دیگری جز پاسخ گویی به نیازهای سرمایه داری ایران پیش رو ندارد.

بی گمان فردی مانند رفسنجانی با آن پیشینه ای که در گفتگو و مذاکرات پشت پرده با مقامات آمریکائی و اروپایی داشت بهتر از احمدی نژاد می توانست این پروژه ها را پیش ببرد. اما خامنه ای و رئیس جمهور تازه نیز ضدیت با این روند ندارند. اینها می خواهند این پروژه ها مطابق نقشه گام به گام و به ابتکار خودشان پیش برود و در عرصه دیپلماسی امتیازات بیشتری برای جمهوری اسلامی دست و پا کنند، بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی اساسا روی همان روندهای قبل پیش می رود و اگر تغییراتی هم ایجاد گردد تغییراتی تاکتیکی خواهند بود.

رزگار عمر: بدنبال این انتخابات تقابل رژیم و مردم ایران وارد دوره تازه ای می شود، اگر اینطور است به نظر شما تشدید این تقابل چه اشکالی به خود می گیرد، پیش بینی های سیاسی چه چیزی را به ما نشان می دهد؟ شما برای این دوره تازه کدام تاکتیک و استراتژی را درست می دانید؟

صلاح مازوجی: در رابطه با این سوال قبل از هر چیز این را بگویم، اینکه بدنبال انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری، بسیاری به این باورند که در ایران یک دوره تازه از اعمال فشار و خشونت علیه توده های مردم شروع می گردد و فضای سیاسی جامعه ایران بسته تر می شود، ناشی از این تحلیل و نگرش نادرست است که معتقد است که باز شدن نسبی فضای سیاسی ایران، در سال های اخیر ناشی از سر کار آمدن محمد خاتمی و وجود دوم خردادی های اصلاح طلب در حاکمیت سیاسی ایران بوده است.

این نگرش سر تا پا اشتباه است. عامل اصلی باز شدن نسبی فضای سیاسی ایران و عقب نشینی رژیم در سال های اخیر، روند رو به رشد مبارزات کارگری و توده های مردم زحمتکش و ستم دیده برای ایجاد تغییر در شرایط فلاکت باری بود که تحت حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی به آنها تحمیل شده بود. این روند خود را در تلاش و مبارزه هر روزه کارگران برای رسیدن به مطالباتشان و بهبود وضعیت کار و زندگی شان، در مبارزه هر روزه زنان برای رسیدن به حقوق شان و علیه تحقیر هر روزه، مبارزه جوانان برای احقاق حقوق اجتماعی و فردی شان و مبارزه مردم کردستان علیه

حاکمیت جمهوری اسلامی و با هدف دستیابی به حقوق عادلانه‌شان نشان داده است. این کشمکش طبقاتی و اجتماعی که از اعماق جامعه برخاسته و به پهنای جامعه ایران در جریان است یک واقعیت انکار ناپذیر است. این جنبش‌های اجتماع توازن قوایی را ایجاد کرده اند که جمهوری اسلامی با همه جناح‌هایش مجبور شده که آن را تحمل کند. احمدی نژاد نمی تواند این اوضاع را به عقب براند.

اگر تاریخ جنبش کارگری ایران را در یک پریود زمان ۱۰۰ ساله به تصویر بکشیم، آنگاه اهمیت تلاش و کوشش پیشروان و فعالین کارگری برای ایجاد تشکل‌های توده ای کارگری و پیشروی‌هایی را که در این عرصه کرده اند و نقش‌شان در باز کردن فضای سیاسی جامعه را بهتر احساس و درک می کنیم. جنبش زنان نیز در روند مبارزه و پیشروی خود بیش از گذشته خود را سازمان داده و زمینه پیشروی‌های بعدی را فراهم کرده است.

جنبش انقلابی در کردستان برای تضمین پیشروی خود بیشتر از هر زمان دیگری به دینامیزم مبارزه طبقاتی متکی شده است. در شرایطی که مبارزه مسلحانه با محدودیت‌های جدی روبرو شده است، مبارزه کارگران جهت رسیدن به مطالباتشان، مبارزه زنان برای احقاق حقوقشان و مبارزه جوانان برای تحقق یک جامعه آزاد و مبارزه توده‌های مردم علیه فشار نیروهای سرکوبگر رژیم، جنبش کردستان را شعله ور نگاه داشته و زمینه‌های پیشروی این جنبش را ایجاد کرده است.

بورژوازی لیبرال ایران چه آنها که در قواره اپوزیسیون قانونی فعالیت می کنند و چه آنها که در چهارچوب اپوزیسیون غیرقانونی هستند و از همکاری دوفاکتوی رژیم بهره‌مند هستند، برای به انحراف کشاندن این جنبش‌های اجتماعی تلاش می کنند و برای این هدف سعی می کنند که رهبران و چهره‌های محبوب و قابل اعتماد درون این جنبش‌ها را با دادن امتیاز به طرف خودشان بکشانند. جبهه بورژوازی می کوشد تا به رهبران عملی این جنبش‌ها نشان دهد که این آلترناتیو و راه چاره آنان است که می تواند این جنبش‌ها را به تحقق خواست‌ها و مطالباتشان نزدیک کند.

از اینرو ما باید ماهیت و تاکتیک و روش‌های آلترناتیو بورژوازی در درون این جنبش‌های اجتماعی را بخوبی بشناسیم. نیرو و توان جریان ما و جریان سوسیالیست عموماً در درون این جنبش‌ها و در مبارزه علیه آلترناتیو بورژوازی نه تنها در اعلام شعارها و مواضع رادیکال بلکه در یک رویارویی عملی محک می خورد.

جریان ما باید بتواند در مبارزه گام به گام وی در تجربه روزانه درست، کارساز بودن و عملی بودن راه حل‌های سوسیالیستی را به رهبران جنبش کارگری و بقیه جنبش‌های اجتماعی نشان دهد. جریان

ما تلاش می کند که مبارزه طبقه کارگر را به دیگر جنبش های آزادیبخش اجتماعی پیوند دهد. استراتژی ما سرنگون جمهوری اسلامی از راه سازمان دادن انقلاب کارگری است، انقلاب کارگرانی که روزانه برای بهبود شرایط کار و زندگی شان مبارزه می کنند. بنابراین استراتژی ما همزمان با گشودن افق روشن رهایی از چنگ رژیم جمهوری اسلامی و تحقق رفاه، آزادی و برابری واقعی پیشروی کارگران و توده های مردم، باید بتواند کارائی خود را در بهبود وضعیت سخت و مشقت بار همین امروزشان را نیز نشان دهد. یعنی نشان دهد که موجودیت جریان کمونیستی، هم برای امروز ضروری است و هم برای زنده نگه داشتن و تقویت امید به رهایی نهایی ضروری است.

پیشبرد این سیاست و استراتژی بدون ایجاد اتحاد و همبستگی در درون صفوف طبقه کارگر و صفوف جنبش های آزادیخواهانه اجتماعی ممکن نیست. ما باید بدور از هر گونه تنگ نظری و سکتاریسم برای ایجاد تشکل های توده ای و ضدسرمایه داری کارگران تلاش کنیم.

گذشته از اینها جریان ما با در نظر گرفتن این واقعیت که کشمکش سیاسی و طبقاتی جریانات رادیکال و سوسیالیست با آن جریاناتی که می خواهند استثمار طبقه کارگر تداوم داشته باشد و حاکمیت بورژوازی را ابدی کنند، مبارزه و کشمکشی آشکارا و علنی است، باید مقدمات و نیازمندیهای فعالیت در سطح وسیع، علنی و اجتماعی را مهیا کنیم.

رزگار عمر: رفیق صلاح سئوالات من تمام شد. از طرف خودم و جمع اداره کننده سایت "ده نگه کان" بخاطر این مصاحبه از شما تشکر می کنیم و برای آرزوی موفقیت داریم.
صلاح مازوجی : با تشکر از شما امیدوارم شاد و موفق باشید.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۵۳